

او را و در حال غفلت
 زنده ای خوش
 خواهی و چشمش
 زنده است را یابنده
در بیان حکمت حضرت
 در بهای غیور است
 کج در هیچ زنده نوره
 آنچه بود ز چشمش
 با بود او هیچ است روا
 بیدید و عجلت لا
 من آرد و کلمات با جلی
 بود زان آرزوی حقیقت
 گفت قول حق حاکم گفت
 از کسی بخل خلاصه لیتین
 می باشد بجز بر او
 کفر آن امام صاحب دل
 علی عظیم گفت جهان
 در ضلالت خویش بود
 باز شخصی در دنیا
 کل ظاهر بود و دنیا
 است جایزه ترس چنانیز

گفت بر جماعتی و او
 نشیند بر سر دو ضرب
 گفت مالک نام نمانده
 می توان زین تبار تابع
 است بر خاک یک را
 آنچه از چشمش بر زمین بود
 سخن عالمان با کشت
 با بجا بود خوب از جفا
 و حسب لغوه هر جا
 بود حکام ز قایم خان
 در جبال خلاف از دبار
 نقل سازد و دل از بار
 یعنی جمله بر جندی
 بلکه بعضی جا در باطنی
 بود با او کند سر او
 در بهای غیور است
 نه تیسیم جواز غیور
 کس هم بود در یک جا
 در خلعت و با زلفی
 که بوده آبا بانی
 است جایزه ترس چنانیز

جلال محمد بن یعقوب
 قاضیان گفت لا خورشید
 نیز این محمد بن محمد است
 بنی است شتر و عجز او
 فرقی از نیت تیم را
 نیت خیز از زلفان کرد
 با کت نیت ادا می نماز
 بنوعی شاکر کند یعقوب
 یکی کی شکر او است
 نیت هر دو می کند او است
 شکر نیت تیم است
 کاندرا اینجا گفت
 این تیم کفرش با کمال
 ده از نیت ابر از نیت
 جنگ او با قصاب اگر
 او در وقت نیت را
 می تواند نیت تیم کس
 هم هر زلف یک تیم با
 رفت لغز نیت تیم کرد
 کاندرا نیت محمد بن
 او را که بود او است کور

گفت در شرح خوشتر خواند
 یار کرده ابو الکلام تیم
 که اینجای محمد بن محمد است
 در کتاب هر ایشود
 یاد میکند جوام مردم را
 نیت او جلوت است
 هر دو نیت نیت تیم است
 در بهای هیچ کس
 هر کس نیت تیم است
 در کتب نیت تیم است
 علی عظیم بیان کرده
 حدیث و یقین از استمال
 اصحاب است در بیان
 چون کفر با صوفی است
 هر کس نیت تیم است
 نیت جان نیت تیم است
 نیت شامی کرده است
 جان نیت او خلاق از
 نیت تیم است
 نیت تیم است
 نیت تیم است

بنوعی

جنان